



اسلام سیاست الهی‌گونه را جزیی از دین می‌داند

یک پژوهشگر با اشاره به اینکه حکومت به معنی قدرت طلبی صرف و مصلحت اندیشی و پلی تیک و نه حکمت عملی باشد آن سیاست از دین جداست و نمونه چنین سیاستی در اسلام بنی امیه و بنی عباس بودند، گفت: ولی در حکومت انبیا و اولیا و ائمه معصومین (ع) چنین دین و سیاستی دیده نمی‌شود.

یک پژوهشگر با اشاره به اینکه حکومت به معنی قدرت طلبی صرف و مصلحت اندیشی و پلی تیک و نه حکمت عملی باشد آن سیاست از دین جداست و نمونه چنین سیاستی در اسلام بنی امیه و بنی عباس بودند، گفت: ولی در حکومت انبیا و اولیا و ائمه معصومین (ع) چنین دین و سیاستی دیده نمی‌شود. دکتر علی محمد صابری استاد گروه فلسفه مجتمع آموزشی تربیت دبیر پیامبر اعظم (ص) در مورد وظایف دولت و حاکمیت در قبال مردم به خبرنگار مهر گفت: دولت به واسطه آن قدرتی که مستقیماً از رأی مردم می‌گیرد مسئولیت‌های سنگینی در برابر مردم دارد. اما این قدرت در راه خدمت به مردم است. درواقع حاکمان خادمان مردم هستند و صرف فرمانروا نیستند البته در جاهایی برای جلوگیری از تخلف و اجرای قانون فرمانروا می‌شوند. ولی فراقانون نیستند و حتی کسانی که قانونگذار هستند (البته در کشور ما تفکیک قوا است) تابع و خادم قانون هستند و فرای قانون نمی‌توانند عمل کنند.

وی افزود: مهمترین وظیفه ای که دولت در قبال مردم دارد یکی اجرایی کردن خواسته های مردم است که با پیامی که با انتخاب رئیس جمهور هر 4 سال یکبار می دهند خواسته های خود را به دولتمردان گوشزد می کنند. دولت به شعارهایی که داده باید پایبند باشد و یکی از شعارهای دولت یازدهم بهبود سیاست خارجی کشور است. سیاست خارجه ما باید بر اساس صلح و دوستی و صفا با کشورهای دیگر به جز اسرائیل بنا شود. اینکه ما سر جنگ و حمله به هیچ کشوری را نداریم ولی اگر مورد تعرض قرار گیریم با تمام قوا از خود دفاع خواهیم کرد. ایرانی ها در صلح و دفاع زبانزد همه ملت ها هستند. نیاز کشور هم مثل نیاز یک انسان است اگر به یک آدم بی توجهی شود و در قطع رابطه با دیگران بسر برد و نیازهای عاطفی او بر آورده نشود پژمرده و منزوی و افسرده خواهد شد کشور هم همینطور است. اگر با کشورهای دیگر بر اساس منافعمان ارتباط نداشته باشیم دچار کاستی ها و کمبودهایی خواهیم شد که این کمبودها را از طریق سیاست خارجه صحیح می توانیم رفع کنیم.

صابری اظهارداشت: ما همچنان که به تغذیه اقتصادی نیاز داریم به تغذیه فرهنگی هم نیاز داریم. وزارت آموزش و پرورش هیچ طرح و برنامه مدون معنوی و اجتماعی بر اساس نظام تعلیم و تربیت ما که یکی از مهمترین وظیفه اش تهذیب و تزکیه نفس دانش آموزان است نداشته است. کسانی که بیشتر سیاستمدار هستند جای اندیشمندان و شخصیت های فرهنگی در این وزارتخانه را گرفته اند. اگر برنامه معنوی و فرهنگی مدون در این وزارتخانه و وزارتخانه ورزش و جوانان تدوین و اجرا شود جلوی بسیاری از نابسامانی های اجتماعی گرفته می شود و الا جامعه دچار یک خلأ فرهنگی و حتی هویتی به خصوص نزد جوانان خواهد شد. اینکه مشاهده می شود جوانان بی هویت شده و احساس خلأ می کنند. و دیگر اینکه معلمان و اساتید مجرب را زودتر از موعد بازنشست می کنیم و این بازنشستگی زودرس ضربه بزرگی بر پیکر نظام آموزشی ما زده است.

این استاد دانشگاه فرهنگیان تصریح کرد: هیچ رنسانس فکری در فلسفه ایران مانند غرب رخ نداده است. فلسفه در قالب صدارایی در ایران پیش می رود و در همان قالب جلوی نقد ها گرفته می شود. مکتب های مختلف فکری در ایران به واسطه خط قرمزهایی که در تفکر بسته ایم به وجود نیامده است. در حالیکه عمده تفکرات ابن سینا بود که در غرب رفت و ترجمه شد و نهضت ترجمه به وجود آمد. اصلاًغریبان ارسطو و یونان را از روی ابن سینا خواندند. باید دولتمردان به فلسفه و عرفان اهمیت زیادی بدهند و با آن سر جنگ و مخاصمات نداشته باشند. عقلانیت و معنویت دو نیاز اساسی جامعه امروزی ما به خصوص جوانان که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند هستند.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی در مورد اینکه چرا اسلام به حکومت توجه کرده و تفاوت آن در این موضوع با دیگر ادیان مانند مسیحیت و یهودیت در چیست هم افزود:اسلام نسبت به تمام ادیان الهی دیگر دین کامل و جامع تری است.

یهودیت بیشتر به شریعت و احکام ظاهری توجه دارد و مسیحیت دین باطنی و عشق و محبت است و بیشتر به طریقت توجه می کند ولی اسلام جامع طریقت و شریعت است و احکامی درآیندو برای رسیدن به حقیقت دارد.

صابری اظهارداشت: اسلام وقتی می گوید سیاست جزئی از دیانت ما است باید حکومت را معنی کنیم. حکومت یعنی شاخه ای از حکمت عملی. حتی نبوت هم جزئی از حکمت عملی است به قول افلاطون که می گوید حکیم حاکم و حاکمان حکیم. یعنی نظر و عمل در اسلام از هم جدا نیستند. افلاطون برای این منظور از پادشاهان ایرانی مثال می زند. علامه طباطبایی هم کوروش یا همان ذوالقرنین را جزو حاکمان حکیم و حکیمان حاکم قلمداد کرده است. اسلام با چنین حکومتی که حاکمش مثل پیامبران و علی(ع) باشد هیچ مخالفتی ندارد. اینکه قدرت به دنبال حاکم باشد و نه حاکم به دنبال قدرت برود. حکومت در خدمت دین باشد و نه دین در خدمت حکومت.

این استاد دانشگاه فرهنگیان تصریح کرد: اسلام با حکومت به معنای امروزش یعنی پلی تیک و مصلحت بینی و هابزی و ماکیاولی آن که می گوید انسان گرگ انسان است و بایستی همه چیز از جمله اخلاق فدای سیاست شوند مخالف است. پا روی حقیقت گذاشتن شیوه معاویه است و برای این علی(ع) حاضر نشد حتی برای یک لحظه هم جایی برای معاویه در حکومت خود قائل شود. زیرا عدالت در نظر علی اصل بود و نه تقویت پایه های حکومتش. حکومت باید مجرای تعالیم اسلامی شود منتها نه اینکه حاکمان ادعا کنند که ما چنین مجرای را تعبیه می کنیم. بلکه باید فضا را برای متکلمین، فقها و فلاسفه و عرفا فراهم کنند که بتوانند وظایف خود را به درستی ایفا کنند. ایجاد عدل و قسط و داد از خواست های اصلی اسلام است. اسلام موافق چنین حکومتی است و قوانین آن چه برای مردان و چه زنان در راستای نیل به همین اهداف است. اسلام به حق اجتماعی مردم توجه زیادی دارد و در مقابل حق است که تکالیف مردم و حاکمان ظاهر می شود و مردم باید به آن عمل کنند نظام حق مدار باید باشد البته نه اینکه تکلیف مدار نباشد ولی حق مقدم بر تکلیف است.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی در مورد اینکه آیاتفاوت نگاه اسلام به حکومت با دیگر ادیان بیانگر نفی جدایی دین از سیاست نیست ه عنوان کرد: آن سیاستی که الهی گونه باشد و با حکمت الهی اداره شود اسلام آن سیاست را جزئی از دین می داند و جدا از دین تلقی نمی کند. مجموعه دینی هم که در خدمت سیاست نباشد و دین ابزار و وسیله نشود و ابزار بندگی باشد نه ابزار زندگی، این چنین دینی هم جدا از سیاست نیست.

وی تأکید کرد: اما اگر حکومتی به معنی قدرت طلبی صرف و مصلحت اندیشی و پلی تیک و نه حکمت عملی باشد آن سیاست از دین جداست و نمونه چنین سیاستی در اسلام بنی امیه و بنی عباس بودند. ولی در حکومت انبیا و اولیا و ائمه معصومین (ع) چنین دین و سیاستی دیده نمی شود.